



البته قبل از این تغییرات رواج وسایلی حمل و نقلی چون کالسکه برای جابجایی مردم از زن و مرد در سطح شهر تهران تا عادی شدن مدرسه‌های خود را داشتند از جمله اینکه درشکه‌ها، گاری‌ها و کالسکه‌ها برای ورود به برخی نقاط شهر نیاز به مجوز داشتند. مجوزی شبیه به طرح ترافیک امروزی که محدودیت‌هایی برای تردد وسایل حمل و نقل ایجاد می‌کند. اما هر چه بود کم کم عادی شد و نوبت به وسیله‌های جدیدی رسید «ماشین دودی» و «واگن‌های اسبی» با امکانات بیشتری که خانواده‌ها می‌توانستند به صورت دسته‌جمعی در کنار دیگر مسافران سوار آن شده و به نقاطی که می‌خواستند بروند. البته این وسایل حمل و نقل جدید از جمله واگن اسبی با اینکه بسیار کار راه‌انداز بود، اما مدرسه‌هایی هم داشتند که مسافران را به زحمت می‌انداخت.

توقف در مسیر تا آلودگی نهرهای عمومی

از جمله آنکه واگن‌های این وسیله در شرایط تغییرات جوی معمولاً از ریل خارج می‌شدند. زحمت بازگرداندن واگن به ریل هم بر دوش مسافران می‌افتاد. چون آنها بودند که باید از واگن پیاده شده و با هل دادن واگن سنگین را دوباره به ریل برگرداندند. از طرفی جابجایی واگن با اسب هم خود جداگانه معضلات و محدودیت‌هایی به همراه داشت. گرچه اسب‌هایی که برای جابجایی واگن‌ها استفاده می‌شدند معمولاً قدرت بدنی خوبی داشتند، اما گاهی بیش از توان اسب‌ها از آنها کار کشیده می‌شد. در نتیجه اسب‌ها به دلیل خستگی در مسیر توقف می‌کردند و دیگر توان ادامه راه را نداشتند. در این شرایط مسافرها می‌ماندند و واگنی که دیگر حرکت نمی‌کرد! و دیگر آنکه حرکت واگن اسبی در شهر با معضل بزرگ جمع‌آوری فضولات حیوانی هم همراه بود. در پی این مساله شهرداری آن زمان برای حل این مشکل گروه‌هایی را همراه با واگن اسبی اعزام می‌کرد تا فضولات را در نهرهای عمومی رها کنند که این موضوع هم جداگانه خود بهداشت شهر را به خطر می‌انداخت.

تفاوت وسایل نقلیه عمومی میان خانواده‌ها

جالب است بدانیم در آن روزگار هم مانند امروز هر کدام از طبقات مختلف جامعه بر اساس وسع مالی خود از وسایل حمل و نقل عمومی متفاوتی استفاده می‌کردند. مسافران کالسکه‌ها معمولاً از خانواده‌های اشراف و سیاستمداران و حاکمان بودند، چرا که هزینه جابجایی به جهت خصوصی بودن و در اختیار بودن کالسکه بالاتر از دیگر وسایل حمل و نقل عمومی آن زمان مانند واگن اسبی یا ماشین دودی بود، و از آنجایی که بیشتر مردم هم توان مالی سفر دائم با کالسکه را نداشتند برای جابجایی از این وسایل ارزان قیمت استفاده می‌کردند. البته رجال سیاسی و مذهبی هم بودند که مانند مردم عادی برای رفت و آمد سوار این وسایل می‌شدند با توجه به اینکه در آن دوران هم ماشین دودی و واگن‌های اسبی مانند اتوبوس و متروهای امروزی بخش زنانه و مردانه داشتند. به همین خاطر با وجود محدودیت‌هایی که زنان در آن دوران داشتند می‌توانستند برای سفرهای درون شهری، سوار یکی از این وسایل شوند، البته ترجیحاً همراه با مردی از خانواده، یا به صورت دسته‌جمعی با دیگر زنان خانواده یا فامیل و آشنا!

«کالسکه» برای اشراف، «واگن اسبی» برای مردم

رفتن به مهمانی و خرید با پای پیاده

آن روزگاری که تازه زندگی شهرنشینی رونق گرفته بود و هر روز به جمعیت آن اضافه می‌شد، نیازی به وجود چنین وسایل تدریسی برای جابجایی نبود چرا که فاصله بین نقاط شهر کم بود. چنانکه اگر شخصی قصد رفتن به محل کارش را داشت، یا چند تن از اعضای یک خانواده قصد می‌کردند به دیدار دوست یا فامیلی بروند و مهمانی یا برای خرید به بازار، به جهت نزدیک بودن این نقاط به محل زندگی شان یا پیاده می‌رفتند یا با وسایل نقلیه مرسوم در آن روزها که نه شکل و شمایلش شبیه ماشین‌های امروزی بود و نه سرعت و امکاناتش چون درشکه یا کالسکه ای بود که با قدرت بدنی حیواناتی چون اسب و قاطر به حرکت درآمده و با هدایت درشکه چی با حوصله و آرام مسافران را به مقصد می‌رساند. وسیله ای که نه در سرمای زمستان بخاری برای گرم شدن داشت و نه در گرمای تابستان کولری برای خنک شدن و تنها امکاناتش داشتن سقفی روی سر که البته برای درشکه‌ها تا نیمه طراحی شده بود.

رفت و آمد خانواده‌ها با «واگن‌های اسبی»

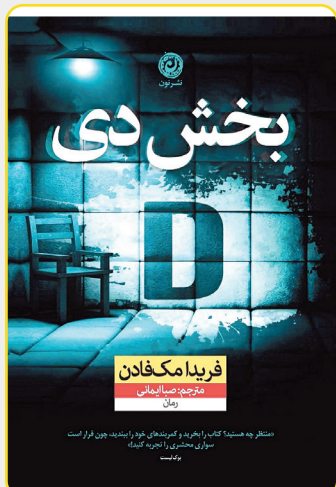
با گذشت زمان و آشنا شدن پادشاهان دوره قاجار به خصوص «ناصرالدین شاه» با کشورهای اروپایی یا همان دنیای فرنگی‌ها، وسایل حمل و نقل تغییراتی اساسی کرد.

• زهره شریفی

قسمت یکصد و بیست و پنجم

از زمانی که زندگی در شهرهای بزرگ آنقدر طرفدار پیدا کرد که خانواده‌های بسیاری از ثروتمند و تهیدست به دلایل مختلف از روستاها و دیگر نقاطی که غرق در طبیعت بود، جدا شده و برای ادامه زندگی دست به مهاجرت زدند اولین نیاز بعد از مسکن یا خانه ای برای زندگی کردن، داشتن وسیله‌ای برای جابجایی سفرهای درون شهری بود. وسیله‌ای که این روزها حرف اول را برای شروع یک زندگی در کنار داشتن مسکن می‌زند. «خودرو» یا همان «ماشین» معروف خودمان، که بخش مهمی از سرمایه خانواده‌ها برای خرید آن صرف می‌شود حتی اگر قرار باشد تا سال‌ها بدهکار باشند و پرداخت کل مبلغش را به صورت قسطی پرداخت کنند. ماشینی که تا چند صد سال پیش نه کسی تصورش را می‌کرد که چنین وسیله‌ای اختراع شود، و نه نیازی به داشتنش را احساس می‌کرد.

... کتاب بزرگسال



• بخش دی

کتاب «بخش دی» نوشته فریدا مک‌فادن، یک سفر درونی به قلب یک بیمارستان و انسان‌هایی است که در آنجا زندگی می‌کنند. با خواندن «بخش دی»، خواننده وارد دنیایی می‌شود که ممکن است برای بسیاری ناآشنا باشد، اما هر کسی می‌تواند خود را در کنار شخصیت‌ها و داستان‌های آن یافته و با آنها همدلی کند. فریدا مک‌فادن با نوشتن این اثر، درس زندگی را در کنار یک داستان زیبا و معنوی ارائه داده است. این کتاب را نشر نون با ترجمه صبا ایمانی منتشر کرده است.

... کتاب کودک و نوجوان

• خیلی نزدیک، خیلی دور



نزدیک، نوشته لیدا ارین نویسنده آمریکایی تبار است که داستان تلخ و شیرین دختری به نام کالیفرنیا را روایت می‌کند. کالیفرنیا دوباره بی سرپرست شده و با خاله اش که مدام در حال دست به سر کردن اوست زندگی می‌کند. خاله او را مجبور می‌کند تا راجع به جد بزرگش، تحقیق کند تا شاید از دست کالیفرنیا راحت شود اما طولی نمی‌کشد که کالیفرنیا می‌فهمد جد بزرگش چیزی به جز یک روح حساس نیست. با این حال یک موجود چهارپای دوست داشتنی و نوشتن یک سری نامه اوضاع را قابل تحمل تر می‌کند. ولی در این زمان حوادث دیگری اتفاق می‌افتد که وضعیتش دگرگون می‌شود. کتاب خیلی دور خیلی نزدیک با ترجمه بهنوش میربزرگی را انتشارات کوله پشتی به چاپ رسانده است.